



## درس خارج فقه استاد هادی عباسی خراسانی

۹۹/۰۳/۲۴

بسم الله الرحمن الرحيم

« فهرست دروس

حوزه علمیه قم

مسجد اعظم

قم

مدرسه فیضیه

مدرسه خان

مدرسه آیت الله گلپایگانی

سایر مدارس

فقه معاصر

تفسیر

رجال

دروس به زبان عربی

حوزه علمیه نجف

نجف

حرم امیرالمؤمنین (ع)

مساجد

حوزه علمیه مشهد

مدرسه آیت الله خویی

سایر مدارس مشهد

تفسیر و نهج البلاغه

سایر حوزه ها

شهرستانها

کربلا

بیروت

دمشق

داکار (آفریقا-سنگال)

قطیف و احساء

کابل

سایر موضوع ها

کلام و فلسفه

طب در روایات

بزرگان معاصر

تقریر عربی درس ها

راهنمای تقریر نویسی

پخش زنده

ثبت نام

ویرایش اطلاعات

دریافت نرم افزار

زمان درس ها

نحوه گفتگو

تالارها

امکانات جانبی

سوالهای متداول

مشکل نمایش حروف فارسی

موضوع: مسائل مستحدثه/روزه بیمار مبتلا به کرونا /شرط

سلامتی در روزه

حدیث اخلاقی

قال صلی الله علیه و آله: اکثر الناس قيمة اكثرهم علما و اقل

الناس قيمة اقلهم علما. [۱] بیشترین مردم به لحاظ ارزش بیشترین

آنها به لحاظ علم است. هرچه علم مردم بیشتر باشد ارزش آنها

بیشتر است. کمترین مردم از نظر ارزش کمترین به لحاظ علم

است. علم کم نشانه ارزش کم است.

روی الصدوق في كتاب صفات الشيعة عن أبيه ، عن أحمد بن

إدريس ، عن محمد بن أحمد ، عن ابن أبي عمير رفعه إلى أحدهم

: أنه قال : بعضكم أكثر صلاة من بعض ، وبعضكم أكثر حجا من

بعض ، بعضكم أكثر صدقة من بعض ، و بعضكم أكثر صياما من

بعض ، وأفضلكم أفضلكم معرفة. [۲] برخی نماز و روزه و

حجشان بیشتر است ولی بهترین شما کسی است که معرفتش

بیشتر است. رابطه علم و معرفت عام و خاص مطلق است و

معرفت خاص تر است.

اشاره ای به جلسه گذشته

گفتیم بیماری کرونا برخی احکام تکلیفی دارد و برخی احکام وضعی. احکام وضو و نماز بیمار، پرستاران و پزشکان را گفتیم و نیز نگرهبانانی که شغل ویژه‌ای دارند که نمی‌توانند لحظه‌ای پست خود را ترک کنند؛ اینها معذور هستند. مصداقش خیلی کم است ولی اگر یک مصداق هم دارد باید جواب فرع را بدهیم.

### حکم روزه بیمار کرونایی

مسأله بعدی تکلیف روزه فرد است. اگر کسی بیماری خاص دارد حکم روزه‌اش چیست؟

در جواب این مسأله به ادله اربعه یا ثلاثه در استنباط: کتاب، سنت، اجماع و عقل بین امامیه و اهل عامه هیچ اختلافی نیست. البته عامه دلایل دیگری دارند مانند استحسان و قیاس.

در آیه ۱۸۴ و ۱۸۵ سوره مبارکه بقره:

﴿أَيَّامًا مَّعْدُودَاتٍ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَّرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ [۳]

کسی که بیمار است یا مسافر در روزهای دیگر بگیرد.

﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ [۴]

کسی که ماه رمضان را مشاهده کند باید روزه بگیرد. امر هم دال بر وجوب است. کسی که بیمار است یا در سفر است در روزهای دیگری بگیرد.

همین آیه برای جواب سؤال کافی است و نوبت به روایات نمی‌رسد.

برای اینکه در فضای نظریه‌ها قرار بگیرید، مبانی فقهای اسلام یعنی امامیه و غیر آن گفته می‌شود. اینکه "صحت" شرط صوم هست یا نیست اختلاف نظر است.

### مبانی فقها در شرط صحت برای صوم

در بین عامه هیچ اختلافی نیست که صحت شرط روزه است. بین نظر آنها و ما اختلاف مبنایی است که عرض می‌کنیم.

### دیدگاه شیعه

سید یزدی:

السادس: عدم المرض أو الرمد الذي يضره الصوم لإيجابه شدة أو طول برئه أو شدة ألمه أو نحو ذلك سواء حصل اليقين بذلك أو الظن بل أو الاحتمال الموجب للخوف بل لو خاف الصحيح من حدوث المرض لم يصح منه وكذا إذا خاف من الضرر في نفسه أو غيره أو عرضه أو عرض غيره أو في مال يجب حفظه وكان وجوبه أهم في نظر الشارع من وجوب الصوم وكذا إذا زاحمه واجب آخر أهم منه، ولا يكفي الضعف وإن كان مفرطاً ما دام يتحمل عادة، نعم لو كان مما لا يتحمل عادة جاز الإفطار. ولو صام بزعم عدم الضرر فبان الخلاف بعد الفراغ من الصوم ففي الصحة إشكال فلا يترك الاحتياط بالقضاء وإذا حكم الطبيب بأن الصوم مضر وعلم المكلف من نفسه عدم الضرر يصح صومه وإذا حكم بعدم ضرره وعلم المكلف أو ظن كونه مضراً وجب عليه تركه ولا يصح منه.

[۵]

خوف ضرر هم کافی است. نوبت به قاعده لا ضرر نمی‌رسد گرچه مؤید است.

مريض اعم از فعلیت و شأنیت است. اگر روزه بگیرد مریض شود هم محسوب می‌شود و باید افطار کند. تفاوت بین نظریه امامیه و نظریه عامه در رخصت و غیر رخصت است.

عبارت آقای خوئی:

فيستفاد من مجموعها أنه ليس كلّ مرض مانعاً، وإنّما المانع خصوص المرض المضّرّ، ولذا أُحيل إلى المكلف نفسه الذي هو على نفسه بصيرة. ثمّ إنّّه لا فرق في الضرر بين أقسامه من كونه موجباً لشدّة المرض أو طول البرء أو شدّة الألم ونحو ذلك، للإطلاق. إنّما الكلام في طريق إحراز الضرر، فالأكثر كما حكي عنهم على أنّه الخوف الذي يتحقّق بالاحتمال العقلائي المعتدّ به، وذكر جماعة اعتبار اليقين أو الظنّ، بل عن الشهيد التصريح بعدم كفاية الاحتمال، والصحيح هو الأوّل، لأنّه مضافاً إلى أنّ الغالب عدم إمكان الإحراز، والخوف طريق عقلائي. [٦]

در يقين به ضرر افطار واجب است و در احتمال افطار جایز است. احتمال عقلائی. یقین به ضرر قضا دارد اگر گرفت ولی در احتمال اگر گرفت قضا نیاز ندارد. اگر افطار کرد قضا دارد.

#### دیدگاه عامه

حتى اگر احتمال تأکید ضرر راه هم بدهد یا تعطیل شدن برخی حواسش را باز هم روزه واجب نیست.

در ترس ضرر تخییر بین امساک و افطار را قائل شدند.

الأعذار التي تبيح الفطر للصائم كثيرة: منها المرض، فإذا مرض الصائم، وخاف زيادة المرض بالصوم، أو خاف تأخر البرء من المرض، أو حصلت له مشقة شديدة بالصوم، فإنه جوز له الفطر، باتفاق ثلاثة، وقال الحنابلة "بل يسن له الفطر، ويكره له الصوم في هذه الأحوال، أما إذا غلب على ظنه الهلاك أو الضرر الشديد بسبب الصوم، كما إذا خاف تعطيل حاسة من حواسه، فإنه يجب عليه الفطر، ويحرم عليه الصوم، باتفاق. [٧]

ابن قدامة:

جَمَعَ أَهْلُ الْعِلْمِ عَلَى إِبَاحَةِ الْفِطْرِ لِلْمَرِيضِ فِي الْجُمْلَةِ. وَالْأَصْلُ فِيهِ قَوْلُهُ تَعَالَى: ﴿فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ﴾ [البقرة: ١٨٤] وَالْمَرَضُ الْمُبِيحُ لِلْفِطْرِ هُوَ الشَّدِيدُ الَّذِي

يَزِيدُ بِالصَّوْمِ أَوْ يُخْشَى تَبَاطُؤُ بُرْئِهِ... فَإِنَّ الْأَمْرَاضَ تَخْتَلِفُ، مِنْهَا مَا يَضُرُّ صَاحِبَهُ الصَّوْمُ وَمِنْهَا مَا لَا أَثَرَ لِلصَّوْمِ فِيهِ، كَوَجَعِ الضَّرْسِ، وَجُرْحٍ فِي الإِصْبَعِ، وَالذَّمَلِ، وَالْقَرَحَةِ الْيَسِيرَةِ، وَالْجَرَبِ، وَأَشْبَاهِ ذَلِكَ، فَلَمْ يَصْلُحِ الْمَرَضُ ضَاطِبًا، وَأَمَكَنَ اعْتِبَارُ الْحِكْمَةِ، وَهُوَ مَا يُخَافُ مِنْهُ الضَّرَرُ، فَوَجَبَ اعْتِبَارُهُ.

فَإِذَا ثَبَتَ هَذَا، فَإِنْ تَحَمَّلَ الْمَرِيضُ وَصَامَ مَعَ هَذَا، فَقَدْ فَعَلَ مَكْرُوهًا؛ لِمَا يَتَضَمَّنُهُ مِنَ الْإِضْرَارِ بِنَفْسِهِ، وَتَرْكِهِ تَخْفِيفَ اللَّهِ تَعَالَى، وَقَبُولَ رُخْصَتِهِ، وَيَصِحُّ صَوْمُهُ وَيُجْزئُهُ؛ لِأَنَّهُ عَرِيْمَةٌ أُبِيحَ تَرْكُهَا رُخْصَةً، فَإِذَا تَحَمَّلَهُ أَجْزَأَهُ، كَالْمَرِيضِ الَّذِي يُبَاحُ لَهُ تَرْكُ الْجُمُعَةِ إِذَا حَضَرَهَا، وَالَّذِي يُبَاحُ لَهُ تَرْكُ الْقِيَامِ فِي الصَّلَاةِ إِذَا قَامَ فِيهَا. فَصَلِّ: وَالصَّحِيحُ الَّذِي يَخْشَى الْمَرَضَ بِالصِّيَامِ، كَالْمَرِيضِ الَّذِي يَخَافُ زِيَادَتَهُ فِي إِبَاحَةِ الْفِطْرِ؛ لِأَنَّ الْمَرِيضَ إِنَّمَا أُبِيحَ لَهُ الْفِطْرُ خَوْفًا مِمَّا يَتَجَدَّدُ بِصِيَامِهِ، مِنْ زِيَادَةِ الْمَرَضِ وَتَطَاؤُلِهِ، فَالْخَوْفُ مِنْ تَجَدُّدِ الْمَرَضِ فِي مَعْنَاهُ. [٨]

انجامش واجب و تركش رخصت است. دليل اين را آيه و اجماع مى دانند.

هم نظريه اماميه و هم عامه اين است كه اگر احتمال ضرر بدهد روزه اش را مى تواند افطار كند ولى فرق مبنای اماميه و عامه اين است كه حتما بايد افطار كند. نصّا و اجماعا. اجماع را قبول نداريم ولى نص هست.

آنها افطار را رخصت مى دانند ولى ما عزيمت مى دانيم. اگر مريضى كه روزه برايش ضرر دارد روزه گرفت بايد قضای آن روزه را انجام دهد به نظر اماميه. چرا كه امر به روزه نيست و اصلا تكليفى ندارد و اگر گرفت قضا واجب است.

ولى به مبنای عامه كه افطار را رخصت مى دانند افطار جايز است نه واجب و اگر روزه گرفت مكروه است و روزه اش درست

است. قضایش نیاز نیست انجام شود. حرف عامه مخالف با صریح آیه است. فلیصمه امر است و دال بر وجوب.

وقال الأربعة : إذا مرض الصائم ، وخاف بالصوم زيادة المرض أو تأخر البرء ، فإن شاء صام وإن شاء أفطر ، ولا يتعين عليه الإفطار ؛ لأنه رخصة لا عزيمة في مثل هذه الحال . أما إذا غلب على ظنه الهلاك ، أو تعطيل حاسة من حواسه فيتعين عليه أن يفطر ، ولا يصح منه الصوم.[٩]

اگر یقین به هلاکت دارد باید افطار کند ولی اگر احتمال است مخیر است.

نهی در عبادات به مبنای اصولی ما مستلزم فساد است. آیه صراحت دارد و نهی از روزه است که مستلزم فساد است. رسول مکرم صلی الله علیه و آله در چهارم ماه مبارک سال هشتم هجری به همه گفتند روزه را افطار کنید، برخی افطار نکردند. حضرت فرمودند آنهایی که افطار نکردند عصیانگر هستند. انهم العصاة. این هم سیره نبی معظم صلی الله علیه و آله.[١٠]

الْعِيَّاشِيُّ: عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، قَالَ: «لَمْ يَكُنْ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يَصُومُ فِي السَّفَرِ تَطَوُّعًا وَ لَا فَرِيضَةً، يَكْذِبُونَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ وَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بِكَرَاعِ الْغَمِيمِ عِنْدَ صَلَاةِ الْفَجْرِ، فَدَعَا رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بِإِنَاءٍ فَشَرِبَ، وَ أَمَرَ النَّاسَ أَنْ يُفْطِرُوا، فَقَالَ قَوْمٌ: قَدْ تَوَجَّهَ النَّهَارُ، وَ لَوْ صُمْنَا يَوْمَنَا هَذَا؟ فَسَمَّاهُمْ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) الْعُصَاةَ، فَلَمْ يَزَالُوا يُسَمُّونَ بِذَلِكَ الْإِسْمِ حَتَّى قُبِضَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)».[١١]

اشاره به برخی روایات

روایات وسایل باب ۲۰ ابواب ما یصح الصوم ملاحظه شود.

تفسیر برهان در ضمن این دو آیه حدود سه-چهار روایت صحیح اعلایی برخی از زرارہ آورده است کہ کسی کہ مریض است باید روزہ اش را بہ احتمال ضرر افطار کند نہ اینکہ می تواند. یعنی قضا دارد.

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ: عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْجَوْهَرِيِّ، عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ، عَنْ سُفْيَانَ بْنِ دَاوُدَ، عَنْ سُفْيَانَ بْنِ عُيَيْنَةَ، عَنِ الزُّهْرِيِّ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ)، قَالَ: «فَأَمَّا صَوْمُ السَّفَرِ وَ الْمَرَضِ، فَإِنَّ الْعَامَّةَ قَدْ اخْتَلَفَتْ فِي ذَلِكَ؛ فَقَالَ قَوْمٌ: يَصُومُونَ، وَ قَالَ آخَرُونَ: لَا يَصُومُونَ، وَ قَالَ قَوْمٌ: إِنَّ شَاءَ صَامٍ، وَ إِنَّ شَاءَ أَفْطَرَ، وَ أَمَّا نَحْنُ فَنَقُولُ يُفْطَرُ فِي الْحَالَيْنِ جَمِيعًا؛ فَإِنْ صَامَ فِي السَّفَرِ أَوْ فِي حَالِ الْمَرَضِ فَعَلَيْهِ الْقَضَاءُ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ: فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ». [١٣]

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ: عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ الْعَبْدِيِّ، عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ: فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمْ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ؟ قَالَ: «مَا أَبَيْنَهَا! مَنْ شَهِدَ فَلْيَصُمْهُ، وَ مَنْ سَافَرَ فَلَا يَصُمْهُ». [١٤]

محمد بن یعقوب عن علی بن ابراهیم ، عن محمد بن عیسی ، عن یونس (عن شعیب)، عن محمد بن مسلم قال : قلت لابی عبد الله علیه السلام : ما حد المریض إذا نقه فی الصیام؟ فقال : ذلك إلیه هو أعلم بنفسه ، إذا قوی فلیصم. [١٥]

در قاعده لا ضرر ما ضرر را شخصی می دانیم نه نوعی و احتمال ضرر کافی است به اندازه ای که اطمینان حاصل شود از گفته پزشک یا پرستار.

وبالاسناد عن یونس ، عن سماعة قال : سألته : ما حد المریض الذي یجب علی صاحبه فیہ الافطار کما یجب علیه فی السفر : (

ومن كان مريضاً أو على سفر؟ قال: هو مؤتمن عليه، مفوض إليه، فان وجد ضعفاً فليفطر، وإن وجد قوة فليصمه كان المرض ما كان. [١٦]

از امام كاظم عليه السلام سؤال کرده است. حد مرض این است که خودش امین خودش است. خدا او را اکرام کرده است که کار را به او محول کرده است. اگر وضعی دارد افطار کند. درباره دختر بچه‌ای که ضعف دارد هم صدق می‌کند. خود شخص ملاک است. ضرر شخصی است و ملاک ضعف و قوت است. مرض هم تمثیل است نه تخصیص. اگر عرف جامعه و طیب هم بگویند ضعیف مریض است که کاملاً صدق هم می‌کند.

وعن علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن عمر بن أذينة قال: كتبت إلى أبي عبد الله عليه السلام أسأله: ما حد المرض الذي يفطر فيه صاحبه؟ والمرض الذي يدع صاحبه الصلاة (من قيام)؟ قال: (بل الانسان على نفسه بصيرة). وقال: ذاك إليه هو أعلم بنفسه. [١٧]

نظر نهایی استاد

مرض را اعم از فعلیت و شأنی می‌دانیم. مثل بحث مشتق است که اعم از گذشته و حال و آینده است. مریض هم اعم از این حالات است.

اگر روزه بگیرد مریض می‌شود با مریض فعلی تفاوتی ندارد.

چند تذکر

در ضرر نوع معتبر نیست بلکه شخص ملاک است. در سی روز ماه مبارک رمضان هر روزی اعتبار خاص خودش را دارد. مانند نیت نیست که تمام ماه را اگر نیت کرد کفایت کند. ظن یا یقین به ضرر یا احتمال عقلایی باید هر روز جداگانه لحاظ شود.

فرقی بین مریضی مسری و غیر آن مانند کرونا نیست.

روزه نداری چطور؟ اگر یقین ضرر یا احتمال عقلایی بدهد هم نمی‌تواند بگیرد در ایام نقاهت. بین کرونا و غیر آن فرقی نیست. احکام تکلیفی تابع احکام وضعی هستند. خیلی از موارد احکام تکلیفی با تغییر احکام وضعی دگرگون می‌شوند. ستاد مقابله با بیماری کرونا مشخص کردند که این نیاز به مراقبت دارد این حکم را می‌آورد.

اگر روزی طبیبی گفت این مریضی خاص عطش برایش ضرر دارد، جواز افطار را می‌آورد بلکه باید روزه را افطار کند. موضوعات احکام، احکام را متعین می‌کند.

اگر در احکام وضعیه تراحم واقع شد. برخی گفتند ضرر دارد و برخی گفتند ندارد. مبنا حال خود مریض است. باید ببیند می‌تواند یا خیر. البته طبیبان متعهد نه تنها متخصص. عرف خاص اگر گفت روزه برایش ضرر دارد، ضرر منقح می‌شود. اگر احتمال بود به خود فرد واگذار می‌شود. مفوض الیه در روایت بود. در اشخاص مریض تفاوت بین امامیه و عامه گفتیم. در سفر هم آنها قائل به وجوب افطار نیستند ولی جواز افطار می‌دانند. نوبت به قاعده ضرر هم نمی‌رسد اگر هم برسد ضرر شخصی است. همین که سلامت نداشته باشد کافی است به خصوص به جهاز هاضمه باز گردد. یقین به ضرر که شد در صورت روزه گرفتن قضا دارد چون اصلاً بر او واجب نبوده است. قضا هم اینجا دلیل خاص دارد به خاطر آیه شریفه. اسلام با علم مخالفتی ندارد و این برای آن است که از مواردی اسلام پیشگیری کند.

---

[۱] من لا یحضره الفقیه، الشیخ الصدوق، ج ۴، ص ۳۹۵.

[۲] بحار الأنوار - ط دارالاحیاء التراث، العلامة المجلسی،

ج ۳، ص ۱۴.

[٣] بقره/سوره ٢، آيه ١٨٤.

[٤] بقره/سوره ٢، آيه ١٨٥.

[٥] العروة الوثقى - جماعة المدرسين، الطباطبائي اليزدي، السيد محمد كاظم، ج ٣، ص ٦١٥.

[٦] موسوعة الامام الخوئي، الخوئي، السيد أبوالقاسم، ج ٢١، ص ٤٨٦.

[٧] الفقه على المذاهب الأربعة، عبد الرحمن الجزيري، ج ١، ص ٥١٩.

[٨] المغني، ابن قدامة المقدسي، ج ٣، ص ١٥٥.

[٩] الفقه على المذاهب الخمسة، مغنية، الشيخ محمد جواد، ج ١، ص ١٤٩.

[١٠] تاريخ الإسلام - ت تدمري، الذهبي، شمس الدين، ج ٢، ص ٥٣٧.

[١١] البرهان في تفسير القرآن، البحراني، السيد هاشم، ج ١، ص ٣٨٦.

[١٢] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ٧، ص ١٥٦، أبواب، باب، ح، ط الإسلامية.

[١٣] البرهان في تفسير القرآن، البحراني، السيد هاشم، ج ١، ص ٣٨٦. وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ٧، ص ١٦٠، أبواب، باب، ح، ط الإسلامية.

[١٤] البرهان في تفسير القرآن، البحراني، السيد هاشم، ج ١، ص ٣٨٧.

[١٥] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ٧، ص ١٥٦، أبواب، باب، ح، ط الإسلامية.

[١٦] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ٧، ص ١٥٦، أبواب، باب، ح، ط الإسلامية.

[١٧] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ٧، ص ١٥٧،  
أبواب، باب، ح، ط الإسلامية.



[www.baharsound.ir](http://www.baharsound.ir), [www.wikifeqh.ir](http://www.wikifeqh.ir), [lib.eshia.ir](http://lib.eshia.ir)